سیاوش اوستا

اخراجی ها تهـران را بهم ریخت

چنانچه پیش بینی می شد و بارها نوشته و گفته بودیم، فیلم اخراجی ها تهران را بهم ریخت.

پیـش از اکران رسـمی این فیلم در سینماهای ایران، هنگام شرکت در فسـتیوال فجر که همه ساله در دهه فجر در تهران برگزار می شود فیلم اخراجی ها تنها فیلمی بود که بیشترین سر و صدا را راه انداخت و بیشترین بیننده را داشت.

اما این فیلم نتوانست به بخش اصلی مسـابقه راه پیـدا کند. کارگردان اخراجی ها می گوید:

این فیلم تو دهنی بود به روشن فکرها و متحجرهائی که در راه ساخت و نمایش آن مانع تراشی کردند و خیلی حیف شد که به خاطر حضور من در این فیلم بازیگرانم دیده نشدند من از آنها شرمنده ام... من اعلام می کنم که اگر جایزه ای به من یا فیلم نامه یا فیلم تعلق گیرد جایزه را نخواهم گرفت. البته فیلم اخراجی ها هیچ جایزه رسمی را نگرفت و این را از مدت ها پیش مسعود ده نمکی پیش بینی کرده بود و مرتب از حسادت ها و کارشکنی ها گلایه می کرد.

اما در شـبانه ۲۲ بهمن در تالار وحدت که با ازدحام پیش از حد مردم مواجه بود.

–بهترین فیلم برگزیده فستیوال، روز سوم اثر حسین لطیفی.

–بهترین کارگردان ها، امیر شهاب رضویان و حسین لطیفی، با فیلم های مبنای شهر خاموش و روز سوم.

–بهترین فیلمنامه خون بازی از رخشان بنی اعتماد، فرید مصطفوی نغمه ثمینی و محسن عبدالوهاب بود....

شلوغی برای ورود به سالن اختتامیه آنقدر بی سابقه بود که بسیاری از مهمانان رسمی نتوانستند وارد سالن بشوند براساس گواهی افراد بسیاری که در سالن حاضر بودند.

همهمه و سر و صدای ممتدی در سالن بود که مرتب در پچ پچ ها اخراجی ها، اخراجی ها به گوش می خورد.

در هنگام گزینش بهترین فیلم برگزیده تماشاچیان این همهمه و سـر و صدا افزایش می یابد و آقای دادگو ۲ فیلم اخراجی ها اثر ده نمکی و سنتوری اثر مهرجوئی را با اکتساب ۹۰ درصد آراء؛ فیلم های برگزیده تماشاچیان اعلام می کند و سیمرغ بلورین را به حبیب کاسه ساز تهیه کننده فیلم می دهد. کاسه ساز پشت تریبون رفته و می گوید: من این جایزه را به کارگردان اخراجی ها آقای ده نمکی پیشکش می کنم، ده نمکی هم بالا می رود اما به جای گرفتن جایزه از کاسه ساز، آن را پس زده و میکروفن را گرفته و می گوید: من نه مرغ می خواهم نه سیمرغ. من شرمنده مردمی هستم که تا ۴ صبح جلو سینماها بودند و اخراجی ها را پسندیدند اما داوران ما نظر مردم را نپسندیدند، همیشه این طور بوده، نخبگان ما عقب تر از مردم حرکت می کردند... سینمای ما شبیه سیاست ماست همان باند بازی و مافیا و انحصارطلبی! من اگر نتوانم دیگر فیلم بسازم همین یکی برای تو دهنی زدن به برخی بس بود. من بچه که بودم دوست داشتم قاضی شوم اما امروز با دیدن این قضاوت ها دیگر دوست ندارم هیچوقت قاضی شوم.»

در فیلم اخراجی حدود ۴۴ هنرپیشه سرشناس ایران ایفای نقش کرده اند.

جمعی از بازیگران این فیلم طی یک کنفرانس مطبوعاتی در تهران به سیستم فستیوال دهه فجر انتقاد کردند:

محمدرضا شریفی نیا که از سال ۶۰ تا ۶۷ را در زندان جمهوری اسـلامی به سر برده و پس از آزادی یکی از هنرپیشه های مطرح کشور شده است و در سریال امام علی اثر داوود میرباقری با ایفای نقش ولید و شرابخواری ها و مستی هایش در مسجد و منبر شهرتی ویژه به دسـت آورده بود گفت: «این فیلم با تلاش همه دسـت اندر کاران فیلم تولید شد. شاید در تاریخ سینمای ما تا این اندازه از یک فیلم استقبال نشده بود، این نشان می دهد که مخاطب تشنه دیدن آثار قابل توجه بر پرده سینماست.»

اکبر عبدی هنرپیشه برجسته کشورمان نیز در این کنفرانس گفت: «زندگی جلوی دوربین سـخت است من سعی کردم در این فیلم، اخراجی ها، زندگی را تجربه کنم به عقیده من جایزه اصلی را باید عاشقان سینما بگیرند.

اکبر عبدی اضافه کرد که استقبال از اخراجی ها به حدی بود که بعضی از سینماهای جشنواره چند بار فیلم را پخش کردند.»

محمدرضا جعفری جلوه معاون امور سـینمائی وزیر فرهنگ به همراه خانواده اش تا ساعت ۲ بامداد در صف فیلم اخراجی ها ایستاده بود اما موفق به تماشای آن نشد.

ده نمکی در فیلم اخراجی ها تمامی تعصبات دیروز را شکسته است، مجید سوزکی یک جوان لمپن و لاتی است که به خاطر خلافکاری به زندان رفته است، اما به پدر نامزدش می گوید که به سفر حج رفته و همو یک بسیجی جنگی می شود...

سیدمرتضی پرسوناژ دیگری از فیلم اخراجی هاست که لات محله است و از روزهای نخست در جبهه نیز لات بازی را تبلیغ و تشویق می کند اما جانش را برای میهنش در جنگ از دست می دهد. نشان دادن پوسترهای پرویز صیاد، بهروز وثوقی پشت سر افراد نیز بیانگر همین امر است که جوانانی که برای دفاع از آب و خاک میهن به جبهه ها رفتند پرورش یافتگان دوران پر افتخار پادشاهی ایران بودند وگرنه نسـلی که خمینی آفرید، بی تفاوت، معتاد، متعصب، هر دم براهی و آخر در بیراهی و از بین بردن همه ارزش های زیبای دیروز هستند

www.awesta.net

نگاهی به کارنامه سیاسی دکتر محمد مصدق

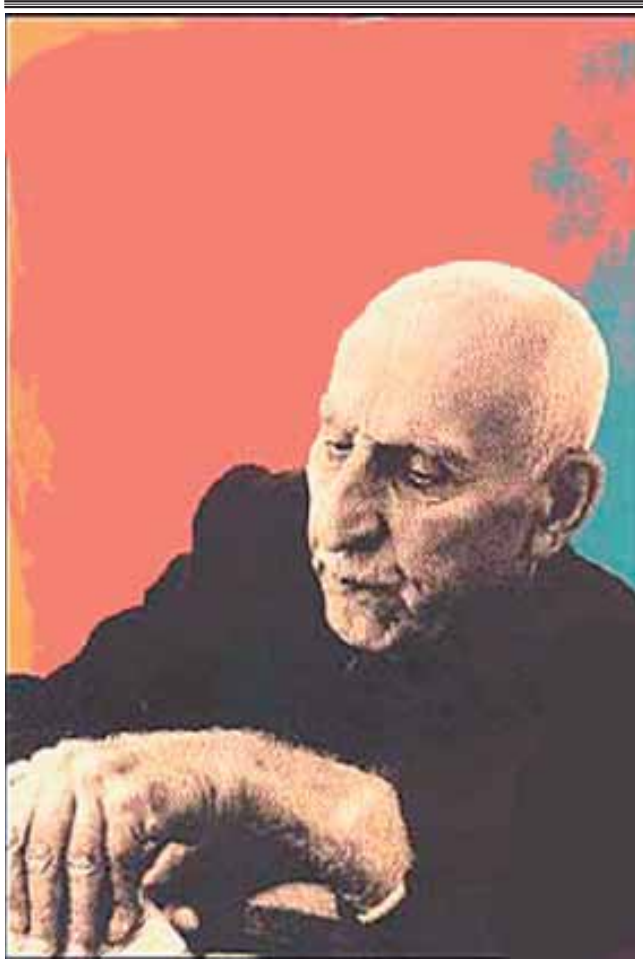

تحقیق: دکتر جلال متینی

«مصدق در واکنش به سخنان جکسن گفت که ملی شدن انواع ندارد.» (موحد، ۱۹۷/۱) و پیشنهاد وی را به علت آن که مغایر قانون ملی شدن نفت است رد کرد. (صفائی، ۱۶۲، ۱۶۴ به نقل از: فاتح، ۵۲۸، ۵۳۳).

مصدق: تهدید نمایندگان مخالف

–دکتر مصدق پس از رد پیشنهاد جکسن به مجلس رفت و تقاضای رأی اعتماد کرد.

«همین که درباره این تقاضا میان چند تن از نمایندگان سخنانی برخلاف میل رئیس دولت عنوان گردید، دکتر مصدق مجلس را تهدید نمود و گفت: اگر آقایان حاضر نشوند تا چهار بعدازظهر نفیاً یا اثباتاً رأی بدهند، دولت از چهار بعدازظهر به بعد مسئول مملکت نخواهد بود.» (صفائی، ۱۶۴، به نقل از: زهتاب، غوغای نفت، ۳۸).

و این نخستین واکنش منفی ملایم مخالفان بود و نیز اولین تهدید مجلس از سوی دکتر مصدق که در ماه های بعد نیز چندین بار تکرار شد. مصدق در همان روز از مجلس رأی اعتماد گرفت.

دنباله عملیات اجرائی خلع ید

–«در ۲۲ خرداد هیأت مدیره موقت به کلیه خریداران موادنفتی اخطار کرد مواد نفتی مورد نیاز خود را با دادن رسید تحویل بگیرند...» (صفائی، ۱۶۲، به نقل از: فاتح، ۵۲۸).

–سپس نخست وزیر دستور داد عملیات اجرائی خلع ید ادامه داده شود.

–دریک رئیس شرکت نفت به ناخدایان کشتی های نفتکش شرکت دستور داد از بارگیری نفت ود ادن رسید خودداری کنند.

–دولت انگلیس برای حفظ جان و مال اتباع خود به دولت ایران اخطار کرد و چند ناو جنگی آن کشور در نزدیکی ساحل آبادان پهلو گرفت.

–نفتکش های انگلیس بدون بارگیری نفت ساحل آبادان را ترک کردند... دریک آبادان را ترک گفت و به بصره رفت.

–«در ۳۰ خرداد دولت ایران برای حفظ تأسیسات نفت در برابر خرابکاری، لایحه ای به عنوان لایحه ضد خرابکاری تسلیم مجلس کرد. در این لایحه برای خرابکاران مجازات های سنگین پیش بینی شده بود.» (عاقلی، روزشمار، ۴۵۲/۱).

–عملیات خلع ید در فاصله ۳۰ خرداد تا ۱۲ تیر در خوزستان انجام شد و بعد در کرمانشاه و نفت شهر و مراکز شرکت سابق نفت و پالایشگاه تهران.

–فاتح رئیس ایرانی شرکت سابق نفت در تهران، نیز از کار کناره گیری کرد. (صفائی، ۱۶۶).

–ناگفته نماند که در تمام مدتی که جریان ملی شدن نفت... ادامه داشت در آبادان حکومت نظامی برقرار بود. (صفائی، ۱۶۵).

اسناد خانه سدان

–یکی از موضوع هائی که از روزهای آغاز تیرماه توجه همگان را با تبلیغات شدید به خود جلب کرد، اسناد خانه سدان بود. در جریان خلع ید، اداره انتشارات و تبلیغات شرکت سابق زیر نظر سازمان خلع ید قرار گرفت. «یکی از کارکنان آن مرکز به دکتر بقائی مسئول سازمان خلع ید در تهران اطلاع داد که شبانه قسمتی از اوراق این مرکز به خانه سدان رئیس سابق شرکت نفت.... منتقل شده است.» «وارد خانه سدان شدند، در صورتی که سدان دارای مصونیت سیاسی بود.» (محمدعلی موحد، ریچارد سدان را نماینده شرکت نفت انگلیس و ایران در تهران نام برده و به مصونیت سیاسی او مطلقاً اشاره ای نکرده است.) (موحد، ۱۶۲/۱، ۱۶۳، ۲۱۱؛ ۹۸۰/۲). «سدان همراه کنسول انگلیس خانه را ترک گفته به دیدار دکتر مصدق رفته و به شکستن مصونیت سیاسی و تعرض به اموال شخصی خود شدیداً اعتراض نمود. ولی دکتر مصدق گفت: آن خانه و اموال متعلق به شرکت نفت است... و ربطی به مصونیت سیاسی ندارد و حتی اثاث شخصی سدان را به او ندادند.» روزنامه های شاهد و باختر امروز وابسته به دولت می نوشتند که «در اسناد خانه سدان رابطه پاره ای از اشخاص سرشناس و بعضی جراید (البته مخالف دولت) با شرکت نفت به ثبوت رسیده و به زودی اسامی آنان اعلام خواهد شد.» رادیو هم به پخش مطالبی در همین زمینه می پرداخت. با جنجالی که درباره این موضوع به وجود آمد، سرانجام دکتر مصدق «به مجلس نوشت: اسناد و مدارک موجود تحت نظر کمیسیون مختلطی که به دعوت این جانب تشکیل گردید، جریان رسیدگی خود را طی می نماید...»، لیکن از مجلس شورا وسنا هم تقاضا دارم کمیسیونی انتخاب نمایند «و با حضور نماینده دولت و دادستانی کل به این کار رسیدگی نمایند.» دکتر فاطمی معاون نخست وزیر در ۹ تیرماه در مجلس گفت: «ده هزار پوند است... صحبت مداخلاتی است که حقیقتاً شرم آور است... نام چند سناتور و وزیر سابق و روزنامه نویس در این اسناد دیده می شود.» (صفائی، ۱۶۷–۱۶۹).

عامری: تفکیک قوا رعایت نمی شود

–جواد عامری نماینده مجلس درباره تصمیم دکتر مصدق در مجلس گفت:

«۴۷ سال از عمر مشروطیت ایران می گذرد و هنوز که هنوز است اصل تفکیک قوا رعایت نمی شود.... این اوراق باید برود دست دادستان رسیدگی کند، هر کدام را دید سند جاسوسی یا رشوه یا دزدی یا خیانت است، می رود به دادگاه های مربوطه. مجلس شورای ملی نباید در کار قوه قضائیه دخالت کند. (صفائی، ۱۷۰).

–اسناد خانه سدان وسیله تبلیغاتی در دست دولت شد و سرانجام حائری شاه باغ دادستان کل که مأمور رسیدگی به این موضوع شده بود در مصاحبه مطبوعاتی آنچه را که تا آن وقت گفته شده بود تکذیب کرد. در کتاب اسرار خانه سدان که توسط اسماعیل رائین در سال ۱۳۵۸ به چاپ رسید نیز سندی یافت نشد که مدرک جرم و جاسوسی و خیانت یکی از نمایندگان یا دولتمردان مخالف دولت باشد. (صفائی ۱۶۷، –۱۷۲؛ روزنامه شاهد، ۳ تیر ۱۳۳۰؛ مذاکرات مجلس، ۱۶ روزهای ۹ و ۱۸ تیر ۱۳۳۰).

مشورت مصدق با مصطفی فاتح

–فاتح نوشته است در ۲۵ مرداد دکتر مصدق مرا احضار کرد و از من خواست با توجه به سوابق ممتدی که در شرکت نفت دارم کوشش کنم که قانون ملی شدن صنعت نفت به مسالمت با شرکت نفت به موقع اجرا گذاشته شود. با توجه به سابقه و آشنائی دیرینه با دکتر مصدق در جلسه ای که بیش از دو ساعت طول کشید

«پس از تمجید و تحسین از جدیت ایشان در راه استیفای حق ایران و تذکر این که اگر واقع بینی در نظر گرفته شود توفیق کامل حاصل خواهد شد.» پرسیدم: «اگر توافقی با شرکت حاص نشد... به چه قسم می خواهید که نفت را به فروش برسانید؟ ایشان در جواب گفتند که احتیاج دنیا به نفت ایران به حدی زیاد است که اگر توافقی با شرکت حاصل نشد، دیگران با نهایت سهولت آن را خواهند خرید و اندک نگرانی از این بابت در بین نیست. من تا حدی که ممکن بود مشکلات فروش نفت و قدرت عظیم کارتل و تراست را برایشان شرح دادم...» و افزودم: «قضیه نفت تنها یک معامله ساده بازرگانی نیست و نفت خاورمیانه به اندازه ای مرتبط با مسائل استراتژی و حیات اقتصادی دول ذی علاقه می باشد که... اگر شرکت نفت از محصول نفت ایران محروم گردد... با مختصر جدیتی می تواند محصول نفت کویت و عراق را افزایش داده و در مدت کمی کسر عمل بازرگانی خود را جبران نماید...». «به علاوه انگلستان جنگ اقتصادی را شروع خواهد نمود و چون استطاعت آن از ما زیادتر است عواقب خوبی برای ما نخواهد داشت...»

«در ضمن این موضوع را هم یادآور شدم که اگر کسانی تصور کنند که آمریکا، انگلستان را رها کرده و جانب ما را خواهد گرفت سخت در اشتباه هستند. به نظر بنده باید واقع بین بود و تمام اطراف کار را باید ملاحظه کرد. ضمناً در این ملاقات مندرجات نامه ای را که چندی پیش به ایشان نوشته و راه حلی را که منطبق با قانون اجرای ملی شدن نفت بود پیشنهاد کرده بودم شرح دادم.» (فاتح، ۵۲۹–۵۳۰).

«پس از اظهار مطالب فوق دیدم که ایشان با احاطه کاملی که به مسائل سیاسی روز دارند از قضیه معضل فروش نفت و انحصار بازارهای جهان به دست کارتل بین المللی نفت بی خبر می باشند.... و استنباط کردم که مشاورین ایشان هم دقت لازم را در این باب نکرده و امکانات را به هیچوجه در نظر نگرفته اند. وضع آن روز و غلیان احساسات و قدرت فوق العاده ایشان مانع از این بود که توجهی به مطالب من بنمایند...» (همان مأخذ، ۵۳۲).

مشورت مصدق با حاج محمدنمازی

–مصدق پیشنهاد دقیق و سنجیده حاج محمد نمازی را– که به تقاضای خود مصدق تهیه شده بود و به منزله یک هشدار بود– نیز نادیده گرفت. طرح نمازی با مشورت کارشناسان فنی نفت تهیه شده بود و تمام مشکلات را مطرح و تمام راه حل ها را پیش بینی کرده بود. این پیشنهاد در هفته اول تیرماه از سوی علاء به دکتر مصدق تسلیم شد و علاء از سوی خود و شاه درباره اهمیت فنی این طرح با مصدق گفتگو کرد. نمازی در پیشنهاد مفصل خود از جمله نوشته بود:

«نفت را ملی کرده ایم، ولی نه توانائی اداره آن را داریم، نه متخصصین فنی، نه نفتکش و در فروش آن عاجز خواهیم ماند و باید از شوروی یا آمریکا یا انگلیس به ناچار کمک بخواهیم... آمریکا تا حدی کمک خواهد کرد، اما مشروط بر آن که پس از ملی شدن نفت، با انگلیس کنار بیائیم، آن هم به صورتی که آمریکا به عنوان شریک در کار نفت سهیم شود... اگر کارشناسان انگلیسی بروند، لااقل مدتی طول می کشد تا کارشناسان فنی خارجی جای آنها را بگیرند و کار نفت یک سال وقفه پیدا خواهد کرد. نگهداری و به کار انداختن دوباره تأسیسات در این مدت، علاوه بر هزینه بسیار سنگین موجب از میان رفتن مقدار زیادی اسباب و تجهیزات یدکی و فنی خود تأسیسات خواهد شد... در این مدت، اقلاً یک صد میلیون دلار خسارت وارد خواهد شد. بر فرض آن که با تحمل تمام خسارت، تأسیسات به راه افتد و صدور نفت جریان یابد، با اشکال وسائل حمل روبرو هستیم، زیرا صدی نود کشتی های نفتکش یا متعلق به شرکت های بزرگ نفتی یا در اجاره آنهاست و کشتی های نفتکش که ایران اجاره خواهد کرد، خیلی کم است و کمپانی های بزرگ مانع خواهند شد. بهای خرید یک نفتکش که ظرفیت پانزده هزار تن بارگیری داشته باشد، دست کم دو میلیون و نیم دلار می باشد و....» (صفائی، ۱۷۵–۱۷۸).

–دکتر مصدق به پیشنهادهای فاتح و نمازی نیز وقعی ننهاد. شاید به این علت که آنها را نیز از عمال انگلستان می پنداشته است. لااقل در مورد نمازی سندی در دست داریم که مصدق در هنگام اقامت در واشنگتن، همراهانش را از دیدار با نمازی منع کرده بوده است. به این موضوع در صفحات بعد اشاره خواهد شد.

مصدق: دعوت کارشناسان انگلیسی به ادامه همکاری و...

–در حالی که صنعت نفت تعطیل شده بود و کارشناسان و کارکنان انگلیسی تصمیم به استعفاء گرفته بودند:

«مصدق در روز چهارم تیر پیامی به آنان فرستاد و با دادن همه گونه تضمین مالی و جانی و مزایای بازنشستگی خواست به کار خود ادامه دهند و استعفای آنان (یعنی کارشناسان انگلیسی) را متضمن زیانی بزرگ برای ایران دانست و تلویحاً اعتراف کرد که بدون حضور و همکاری آن کارشناسان انگلیسی، ایران قادر به اداره صنعت نفت خود نیست.» (صفائی، ۱۷۳، به نقل از: اسناد نفت، ص ۱۷۰).

ادامه دارد